

## An Examination and Analysis of Imam al-Husayn's Position in Yarsanism<sup>1</sup>

Mansour Rostami<sup>1</sup> 

1. PhD graduate, Payam-e Noor University, Tehran, Iran.

Email: mansourrostami97@yahoo.com



### Abstract

In the worldview of Ahl-e Haqq or Yarsanism (Yarsan-Kaka'i), Husayn b. 'Ali holds an esteemed status. According to this perspective, he possesses a supernatural reality, with a diluted existence manifesting in the material world. This article addresses the question: On what basis is the esteemed status of Imam al-Husayn defined in Yarsanism? Research findings indicate that the leaders of this creed use an esoteric approach based on the principle of the manifestation of God's essence and attributes to explain and interpret ritual stages. Imam al-Husayn is regarded as the manifestation of God's attributes, possessing a supernatural existence known as "al-Riḍā," and in the material world, he is recognized as an Imam. While Ahl-e Haqq acknowledges Sayyid al-Shuhada as an Imam, their basis differs from the Imami perspective. Using a descriptive-analytic method, this article explores and examines the place of Imam al-Husayn within the intellectual system of Yarsanism. It aims to investigate the origins of Ahl-e Haqq's belief in the Imamate of Ahl al-Bayt (Prophet Muhammad's Household) and the belief in avenging the blood of Imam al-Husayn and his companions.

### Keywords

Ahl-e Haqq, Yarsanism, Imam al-Husayn, esotericism.

1. **Cite this article:** Rostami, Mansour. (2024). An Examination and Analysis of Imam al-Husayn's Position in Yarsanism. *Naqd va Nazar*, 29(113), pp. 137-171.

<https://doi.org/10.22081/JPT.2024.68396.2104>

**Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran) \***Type of article:** research.

**Received:** 23/01/2024 • **Revised:** 14/04/2024 • **Accepted:** 06/05/2024 • **Published online:** 01/10/2024

© The Authors



۱۳۷



نظر

بررسی و تحلیل منزلت امام حسین علیه السلام در آئین اهل حق

## بررسی و تحلیل منزلت امام حسین علیه السلام در آیین اهل حق<sup>۱</sup>

منصور رستمی<sup>۱</sup>

۱. دانش آموخته دوره دکترای فلسفه، دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران.

Email: mansourrostami97@yahoo.com



### چکیده

در جهان بینی آیین اهل حق (یارسان-کاکه‌ای)، حسین بن علی علیه السلام جایگاهی والا دارد. در این نگرش، آن حضرت در عالم ملکوت، حقیقتی دارد و در عالم ملک، با رقیقه وجودی آن روبه‌رو هستیم. نوشتار حاضر به این پرسش پاسخ داده است که از منظر اهل حق، جایگاه والای امام حسین علیه السلام بر چه مبنایی تعریف شده است؟ یافته‌های پژوهش نشان داده است پیشوایان این آیین با رویکردی باطن‌گرایانه مبتنی بر اصل تجلی ذات و صفات خداوند به تبیین و تفسیر جایگاه و مرتبه مقامات آیینی پرداخته‌اند. از آنجا که امام حسین علیه السلام مجلای صفت خداوند است، در عالم ملکوت وجودی فوق طبیعی دارد که موسوم به «رضا» است و در عالم ملک، امام به شمار رفته است. اهل حق همسو با نگرش امامیه سیدالشهدا را امام می‌دانند؛ اما مبنای دیدگاه آنان متفاوت است. این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی به تبیین و بررسی جایگاه امام حسین علیه السلام در نظام فکری اهل حق پرداخته است. بررسی منشأ عقیده اهل حق درباره امامت اهل بیت علیهم السلام و نیز باور به خونخواهی امام حسین علیه السلام و یارانش، از جمله اهداف این نوشتار است.

### کلیدواژه‌ها

اهل حق، آیین یارسان، امام حسین علیه السلام، باطن‌گرایی.

۱. **استناد به این مقاله:** رستمی، منصور. (۱۴۰۳). بررسی و تحلیل منزلت امام حسین علیه السلام در آیین اهل حق. فصلنامه علمی - پژوهشی نقد و نظر، ۲۹(۱۱۳)، صص ۱۳۷-۱۷۱.

<https://doi.org/10.22081/JPT.2024.68396.2104>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰



## مقدمه

از آنجا که آیین اهل حق، یک جریان فکری - مذهبی باطن گراست، در تفسیر امور جهان بینی، نگرشی دوسویه دارد. از یک سو، شناخت ظاهری اشیا مورد نظر است و از سوی دیگر، به شناخت باطنی و حقایق اشیا اهتمام دارد (سورانی، بی تا، صص ۱-۲ و ۳۲). اهل حق برترین شناخت را شناخت باطنی می داند که از درون انسان آغاز می شود (سورانی، بی تا، ص ۸۸). شناخت باطنی از شناخت خویشتن آغاز می شود و تا کشف حقایق موجودات عالم ادامه می یابد که یارسانیان، آن را دانش لَدُنّی و سفیدخوانی می دانند (سورانی، بی تا، ص ۱۴۳؛ شیخ امیر، بی تا، ص ۱۲۸) و کسی که به این مرتبه از شناخت راه یافته باشد، او را باطن دار می گویند (شیخ امیر، بی تا، ص ۶۴)؛ زیرا مقامات این آیین معارف باطنی را اسرار می دانند (شیخ امیر، بی تا، ص ۶۱)؛ از این رو پیشوایان اهل حق به گونه ای رمزی سخن گفته اند (چهل تن، بی تا، بند ۷) تا اغیار به اسرار آنان واقف نشود؛ بنابراین سرایندگان کلام آیین اهل حق، اسرار هستی را در قالب بیان نمادین، تمثیلی و اسطوره ای بیان کرده اند (طاهری، ۲۰۱۳، ص ۱۶۴). بر این اساس، استخراج، انسجام، تبیین و شرح مبانی و معارف اعتقادی یارسان بسی دشوار می نماید؛ بنابراین فهم مطالب رازآلود متون یارسان از راه دانش هرمنوتیک میسر است.

تجلی ذات و صفات خداوند و نیز دونای دون، سه اصل بنیادین اهل حق به شمار می رود (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۷۱). شناخت موضوعات مختلف اعتقادی اهل حق، از جمله شخصیت شناسی مقامات آیینی بر پایه مبانی اساسی اش تفسیر می شود.

منظور سرایندگان از ذات، فیض خداوند است که در قوس نزول سبب پیدایش کثرات و تعینات شده است (پارسا و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۰؛ بانیارانی، ۱۳۳۵، ص ۴؛ شیخ امیر، بی تا، ص ۱؛ ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۷۰) که در عرفان از آن به وجود منبسط و نفس الرحمن یاد شده است (قصری، ۱۳۹۸، ص ۱۴). در کلام یارسان، درباره تجلی خداوند و حضور قیومی او با خلاق می خوانیم:

کُونِ کِی دِینِ مَأْوَاشِ نَهْ کُونِ      چُونِ دُرَّةٔ آفتاو همه جای تُونِ

(سورانی، بی تا، ص ۲۱۷)





ترجمه: حق تعالی کجاست؟ چه کسی او را دیده است! او در چه مقامی قرار دارد؟  
حضرت حق مانند پرتو نور خورشید در هر جا حضور دارد.  
باز کلام می‌گوید:

زِ اِیْجَادِ مَعْدُومِ كُنْمُ عَدَمٌ هَمِّی جَلُوهَا آوَرَدَ دَمٌ بَه دَمٌ

(کلام دوره شاه‌حیاس، ۱۳۸۴، ص ۳۱۰)

ترجمه: خداوند موجودات را از عدم به وجود آورد و فیض او هر لحظه به عالم می‌رسد.  
اشراق ذات در قوس صعود باعث تکامل انسان می‌شود. شیخ‌امیر درباره تجلی ذات  
(فیض ساری) در قوس صعود خاطر نشان کرده است:

ذات شیئی نه جامه نژاد و نژرد پیر موسی وزیر و دفتر دار کرد

(شیخ‌امیر، بی‌تا، ص ۱)

ترجمه: ذات در مرتبه‌ای که بری از زادن و مردن بود، آشکار شد و پیر موسی  
(میکائیل) را به مقام دفتر نویس برگزید.

در بیت مذکور، سخن از اشراق حق در سیر صعودی در جامه انسان است که با  
فیض حق و رحمت واسعة الهی مقایسه می‌شود (پارسا و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۱۲۹). در این  
نگرش، منظور از تجلی صفات خداوند، پرتوافشانی فرشتگان در گاه الهی در انسان‌هایی  
است که در مرتبه نازل تری از مجلای ذات قرار دارند (حسینی و آژنگ، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴؛ قاصی،  
۱۳۵۸، ص ۳۲). گویندگان - مقامات آیینی - اهل حق این نوع ارتباط را با تعبیر و تفاسیر  
مختلفی، از جمله تجسد، حلول و تجلی فرشته در قالب انسان بیان کرده‌اند. گاهی این  
ارتباط را با تعبیری، چون فرشته بودن انسان، تجلی فرشته در انسان و وجود فرشته با  
انسان مطرح شده است که چند نمونه بیان می‌شود:  
فرشته بودن انسان:

مَلایِکِکِ بَیْمَانِ اِز نَامِیْمِ هَارُوتِ کَاکَمِ یَادِگَارِ نَامِیْمِ بَیِ مَارُوتِ

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۶۲۹)

ترجمه: من فرشته بودم و نامم هاروت بود. برادرم بابایادگار نیز فرشته بود و نامش  
ماروت بود.

تجلی فرشته در انسان:

هر کس بزائو قاپی وان کین قاصدان نه غیب پیش وارد بین

(سورانی، بی تا، ص ۳۱۰)

ترجمه: هر کس بداند که نگهبان درب - بهشت - کیست، راه یافتن به شناخت چنین اسراری با اشراق فرشتگان ممکن است (قاصدان غیب یعنی فرشتگان).

وجود ملک نزد انسان:

مَلِکِی نَه مَلِکِ مَالِکِ مُلَامِنِ آیه عِلْمِ عَامِ اِسْمِ اللّهِ مَن

(بروندی، بی تا، ص ۱۲)

ترجمه: فرشته‌ای از ملک مالک، استاد و مربی من است. آیه علم عام اسم «الله» من است.

از آنجا که یارسانیان باورمند به تکرار تجلی فیض (ذات) و صفات در انسان‌های برجسته هستند، تکرار تجلی از انسانی به انسان دیگر را تجلی مظهر به مظهر می‌گویند. یعنی فیضی که در جامه یک شخصیت جلوه گر شده است، زمانی دیگر همان فیض در جامه شخصی دیگر جلوه می‌کند و به اعتباری، تجلی و گردش ذات، صفت یا روح را دُونای دُون می‌گویند (حسینی و آژنگ، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵). درحقیقت چون تجلی فیض از مظهري به مظهري دیگر، تکرار تجلی است. عرفان نظری تکرار تجلی را نفی می‌کند؛ زیرا تجلیات پرشماری که از ناحیه حق می‌رسد، تعینات مختلف ظاهر می‌گردد (آشتیانی، ۱۳۷۰، ص ۲۳۹).

در نگرش یارسانیان، وجود انسان‌های برجسته آیینی دارای دو بُعد ناسوتی و ملکوتی هستند؛ از این رو هر شخصیت آیینی یک مقام، مرتبه و دون ملکوتی دارد؛ چنانکه یک وجود ناسوتی نیز دارند (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۱۳۴ و ۳۱۶ و ۳۱۲). مقامات آیینی که بعد از مظهر ذات قرار دارند، از جایگاه ملکوتی خود این گونه سخن گفته‌اند که وجود ملکوتی آنان فرشته است. از سوی دیگر، آنان بر پایه اصل دُونای دُون و باور به تکرار تجلی ذات و صفات، در دوره‌های گوناگون، دون‌های مختلفی را برای خود برشمرده‌اند؛ برای مثال دون امام حسین علیه السلام در ملکوت، فرشته‌ای موسوم به «رضا» است





و در عصر آدم علیه السلام دون وی هایبل تلقی شده است. در دوره‌های بعد، حضرت اسماعیل و حضرت یحیی علیه السلام دیگر دون‌های وی بوده‌اند (الاقصی، ۱۳۵۸، ص ۱۱).

در عصر سلطان اسحاق (قرن هفتم و هشتم هجری) دون امام حسین علیه السلام بابایادگار به شمار رفته است که جزء گروه هفت تن است که برجسته‌ترین گروه آیینی به شمار می‌رود (حسینی و آزنک، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴). آخرین دون آن حضرت، مهدی صاحب زمان علیه السلام گزارش شده است (الاقصی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱). دون به معنی مثل، شبیه و سبمل است که حاکی از بیانی تمثیلی و اسطوره‌ای است (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱، ص ۱۱۷).

در منظومه فکری این آیین، شناخت فراطبیعی مقامات این آیین، از اسرار آفرینش است (شیخ‌امیر، بی‌تا، ص ۱۷۰). از نگاه متون اهل حق، عالی‌ترین شخصیت آیینی کسی است که مجالای ذات حقانی (فیض ساری) باشد، مانند حضرت علی علیه السلام. بعد از این مقام، اشخاص مجالای صفات قرار دارند (شیخ‌امیر، بی‌تا، ص ۱)، مانند پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام. از نظر اهل حق، برخی پیامبران و امامان علیهم السلام دون پیشین برخی از مقامات اهل حق به شمار آمده‌اند (دیوان دوره شاه‌حیاس، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰؛ کلام دوره سید فرضی، بی‌تا، بند ۲). در این نگرش، باور به ولایت و امامت دوازده امام مطرح شده است (اسرار الحقیقة الحقایق حقیقت، بی‌تا، ص ۱)؛ اما به گونه‌ای پراکنده بیان شده است (کلام دوره سید فرضی، بی‌تا، بند ۸؛ اسرار حقیقة الحقایق حقیقت، بی‌تا، ص ۱).

حضرت علی علیه السلام متجلی از ذات (فیض) است (شیخ‌امیر، بی‌تا، ص ۳). به این جهت دارای منزلت و جایگاهی والاست (سورانی، بی‌تا، ص ۱۹۷) و فضایل او فراتر از بیان و نوشتار است؛ چنانکه کلام اهل حق می‌گوید:

هفت طبق زمین تا چرخ کبو      وصف شای مردان تمام نمبو

(شیخ‌امیر، بی‌تا، ص ۴)

ترجمه: به اندازه هفت طبقه از زمین تا آسمان از فضایل علی علیه السلام سخن بگویید، باز وصف شاه مردان تمام نمی‌شود.

بار دیگر در کلام می‌خوانیم:

علی‌بن‌عمران آقای قنبرن      ابوالحسنین ساقی کوثرن

(کلام دوره سید فرضی، بی‌تا، بند ۸)

ترجمه: حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام (عمران) مولای قنبر است. ابوالحسنین، علی علیه السلام  
 پدر دو امام معصوم حسن و حسین علیهما السلام، ساقی کوثر در قیامت است.  
 کلام پردیوری حضرت علی علیه السلام را بی همتا توصیف کرده است:  
 بی همتا علیا علین الله      دلوش دُلدن الله آی وَ الله

(حسینی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۸۶)

ترجمه: حضرت علی علیه السلام بی همتاست و علی مظهر الله است و شاهین بلند پروازش  
 دلدل است. بر این امر، الله ایواله می گویم (دلوه: نوعی پرنده شکاری که باز بر آن  
 چیره می شود).

در کلام این آیین، اسم امام حسن مجتبی و امام حسین علیهما السلام بیان شده است (دیوان  
 گوره، ۱۳۸۲، صص ۳۰۵ و ۳۰۷ و ۳۱۳). در بیشتر متون، مانند دیوان گوره، کلام دوره باباناوس  
 اسم حسنین علیهما السلام با هم بیان شده است (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

حق، حضرت علی علیه السلام مجلای ذات (فیض) حقانی و حسنین علیهما السلام مجلای صفات  
 (فرشته) تلقی شده اند. گرچه ماهیت آیین اهل حق با نام امام علی علیه السلام ارتباطی تام دارد، در  
 متون کلامی این آیین، نام امام حسن و امام حسین علیهما السلام بیش تر از امیرمؤمنان علی علیه السلام بیان  
 شده است. باید افزود در کلام قرن دوازدهم و سیزدهم نام امام حسین علیه السلام بیش تر از امام  
 اول و دوم آمده است (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۳۰۵ و ۳۰۷ و ۳۱۳).

نظر به اینکه در این باور، امیرمؤمنان علی علیه السلام مجلای ذات (فیض) تلقی شده است  
 (شیخ امیر، بی تا، ص ۱)، اوصاف الوهی به آن حضرت نسبت داده شده است. ممکن است به  
 این دلیل باشد که برخی مانند اعتمادالسلطنه این طایفه را علی الهی می دانند  
 (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۸، ص ۴). البته یارسانیان از اطلاق چنین عنوانی بر آنان ناخرسند هستند  
 (الاهی، ۱۳۷۳، ص ۶۳۵). در متون کلامی نه تنها به حضرت علی علیه السلام اوصاف الوهی اطلاق  
 شده است (کلام دوره باباحیدر، بی تا، بند ۲)، بلکه هر کسی که مجلای ذات (فیض) توصیف  
 شده است، چنین نسبت هایی به آنان داده شده است (کلام دوره سید فرضی، بی تا، بند ۱؛ کلام  
 دوره زنور، بی تا، بند ۲). در حقیقت اوصاف غلو آمیز درباره مجالی ذات، مانند سلطان اسحاق





و دیگران بیش از اوصافی است که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام اطلاق شده است. در وصف سلطان اسحاق می‌خوانیم:

در ظاهر سلطانی در باطن خدایی در هر نقطه نظر کنم تو داری مأوایی

(افضلی، ۲۰۱۱م، ج ۱، ص ۹۶)

ترجمه: ای سلطان اسحاق، در ظاهر امر، تو سلطان اسحاق هستی و در باطن، تو خدا هستی. به هر کجای عالم می‌نگرم، تو مأوا و منزل داری.

توصیفی که بیت مذکور درباره سلطان اسحاق آمده است، درباره امام علی علیه السلام در کلام بیان نشده است؛ بنابراین علی‌اللهی خواندن اهل حق نسبتی است که دیگران به این طایفه داده‌اند.

اینک پاسخ به این پرسش لازم می‌آید که وجه اشتراک و اختلاف آیین اهل حق و امامیه درباره مقام امام حسین علیه السلام کدام است؟ فضایل و اوصاف امام حسین علیه السلام در باور اهل حق چیست؟ یافته‌های پژوهش دلالت می‌کند بر اینکه تفسیر پیشوایان این آیین درباره امامت امام حسین علیه السلام، در بعضی مسائل با شیعه مشابعت دارد و در برخی از نگرش با شیعه اثنی عشر فاصله می‌گیرد. فضایی که پیشوایان اهل حق درباره سیدالشهدا علیه السلام بیان کرده‌اند، ریشه در قرآن و روایات شیعی دارد. یارسانیان معارف مرتبط با فضایل و منزلت سیدالشهدا علیه السلام را از اسرار باطنی این طایفه توصیف کرده‌اند (دوسه بیامه، بی‌تا، ص ۴۱؛ دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۴۱۷).

با وجودی که باور به امامت و ولایت امام حسین علیه السلام در متون آیینی اهل حق وجود دارد (کلام دوره سید فرضی، بی‌تا، بند ۳)، تاکنون از منظر آیین اهل حق، اثری مستقل درباره جایگاه آن حضرت نگاشته نشده است و برخی، مانند: مجید قاصی در آیین یاری، نورعلی الاهی در برهان الحق، مسعود رضاییگی در کلاماتی درباره اصول عقاید اهل حق به موضوع امامت اشاره‌ای گذرا داشته‌اند.

این مقاله با روشی توصیفی - تحلیلی و در مواردی تطبیقی با رمزگشایی و تحلیل محتوا در وجوه رهیافت به معانی نهفته در ورای عبارات و مفاهیم رمزی منابع اصلی و اولیه این طایفه، به تبیین و تحلیل جایگاه ملکوتی و ملکی امام حسین علیه السلام پرداخته است.



تبیین و ارایه اندیشه شیعی در نگرش این طایفه درباره سیدالشهدا، از جمله اهداف این مقاله است.

## ۱. متون و ادبیات آیینی

متون آیین اهل حق به کلام موسوم است (مجمع الکلام اهل حق، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۱). کلام در قالب نظم به گویش‌ها و لهجه‌های مختلف زبان کردی توسط مقامات این آیین سروده شده است. تاریخچه کلام از قرن دوم تا سیزدهم هجری را دربرمی‌گیرد. معارف این آیین، اعم از مبانی، عقاید و آموزه‌های آیینی در متون کلامی نهفته است؛ از این رو کلام به اهمیت آن تصریح کرده است:

ها بیان یورتِ خواجا بناسان      یاران و کلام مایه شان ماسان

(پردیور، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷)

ترجمه: [ای] یاریان! بیاید تا در مورد مقام خواجه (ذات حق. مظهریت) بحث کنیم و او را بشناسیم. یاران از طریق فهم کلام رستگار می‌شوند.

بیان نمادین، اسطوره‌ای، تمثیلی و رمزواره بودن متون کلامی و بهره‌گیری از کلمات نامأنوس، از ویژگی‌های ادبیات آیینی اهل حق است (سورانی، بی تا، ص ۲۳۹؛ شیخ‌امیر، بی تا، ص ۳)؛ از این رو با استفاده از دانش هرمنوتیک و تأویل متن و تحلیل محتوا می‌توان به اندیشه گویندگان این طایفه راه یافت؛ چنانکه پیشوایان این طایفه به این موضوع تصریح کرده‌اند.

بشکاوان دَفتَر مَعناش وَ تَدویر      وَ شَرَطِ شاه بُو وَ اقرارِ پیر

(کلام قولتاس، بی تا، بند ۱۱)

ترجمه: با تدبیر و با شرط شاه (: مظهر ذات / سلطان اسحاق) و اقرار پیر، مراد و معنای کلام را بشکافید.

متون منظوم کلامی را به چند دسته می‌توان دسته‌بندی کرد، مانند کلام متقدمین (از قرن دوم تا ششم هجری)، کلام پردیوری و کلام متأخرین (از قرن دهم تا سیزدهم هجری). افزون بر متون منظوم آیینی، دو اثر آیینی، مانند تذکره اعلی و اسرار الحقیقه





الحقایق حقیقت به نثر نگاشته شده است. بعضی از مباحث این دو اثر نیز بیانی پیچیده و رمزی دارد.

## ۲. امامت و ولایت

از آنجاکه آیین اهل حق یک جریان فکری - مذهبی شیعه تبار است (حقیقة الحقایق حقیقت، بی تا، ص ۱؛ تذکره اعلی، ۱۹۵۲م، ص ۱؛ دیوان شیخ امیر، بی تا، ص ۱؛ کلام دوره سید فرضی، بند ۸؛ رستمی، ۱۴۰۱، ص ۲۴۸)، ریشه در فرق انشعابی از اسلام به ویژه کیسانیه دارد (رستمی، ۱۴۰۱، ص ۱۱۱). بررسی متون مختلف اهل حق دلالت می کند که امامت و ولایت، از جمله باورهای مردمان این طایفه است. البته برخی یارسانیان تلاش می کنند تا آیین اهل حق را با عنوان دین یارسان معرفی کنند (حسینی و آژنگ، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵؛ افضل، ۲۰۱۱، ج ۱، ص ۵). ادعای آنان بر اساس کلام اهل حق مخدوش و مردود است؛ زیرا شیخ امیر تصریح می کند که آیین اهل حق بر پایه اسلام بنا شده است.

گاو شرط و شون اسلام بستن      دل و شادی شوق پی جمال بستن<sup>۱</sup>

(شیخ امیر، بی تا، ص ۱۳۸)

ترجمه: بیابس و شرط و شون یاری بر پایه اسلام بسته شده است و دل را با شادی شوق برای لقاء الله بسته است.

### ۲-۱. امام از نظر شیعه اثنی عشر

امامت جزء اصول اعتقادی شیعه است. از نظر شیعه، «الامامة ریاسة عامة فی امور الدین و الدنیا لشخص من الاشخاص نیابة عن النبی» (حلی، بی تا، ص ۵۲) از نظر شیعه، امام باید معصوم باشد (حلی، بی تا، ص ۵۷). متکلمان امامیه به حکم عقل، نصب امام را بر خدا واجب می دانند (حلی، ۱۳۶۷، ص ۳۰۶)؛ از این رو خداوند به پیامبر وحی کرد: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک و ان لم تفعل فما بلغت رسالته» (مانده، ۶۷) و پیامبر در اجرای فرمان

۱. در برخی نسخ «پی جمال مستن» آمده است.

خداوند در روز غدیر در جمع حجاج، ضمن یک سخنرانی فرمود: «من کنت مولاه فعلی مولاه» (شیخ مفید، ۱۳۷۶، ص ۱۶۱).

## ۲-۲. جایگاه امام از نظر اهل حق

در کلام بعضی از متقدمان، مانند دوره بهلول، باباسرهنگ، باباجلیل از امام و ولایت سخنی مطرح نشده است؛ اما در بعضی دوره‌های متقدمان، مانند کلام شاه‌خوشین، بابانوس و نیز دوره پردیوری و دوره متأخران از ولی، مولا و امام سخن رفته است (کلام دوره باباحیدر، ۱۳۸۹، بند ۴۰؛ کلام دوره سید فرضی، ۱۳۸۱، بند ۸).

براین اساس که مقامات آیینی، متجلی از ذات و صفات به شمار رفته‌اند، برخی آنان امام هستند. از میان این مقامات، حضرت علی علیه السلام مجلای ذات و دیگر امامان، مانند امام حسن و امام حسین علیهم السلام و ... حضرت مهدی علیه السلام مجلای صفات دانسته شده‌اند (قاصی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱). مجلای صفات نازل‌تر از مجلای ذات تلقی شده است.

شیعه و اهل حق در اصل اعتقاد به امامت، نگرشی همسو دارند؛ ولی مبنای آن دو با هم متفاوت است. توضیح این است که امامیه بر پایه آیه ابلاغ و حدیث غدیر باورمند به امامت دوازده امام است. این احتمال بعید نیست که نگرش اهل حق برگرفته از باور شیعه باشد؛ ولی ماهیت امام را به مجلای ذات یا صفات پیوند زده است. البته خاندان آتش‌بگی در قرن دوازدهم هجری بنا بر کتاب اسرار حقیقة الحقایق حقیقت که مورد اهتمام این خاندان است، همسو با شیعه به امامت دوازده امام عقیده دارند (اسرار حقیقة الحقایق حقیقت، بی تا، ص ۱). افزون بر آن، دیوان خان‌الماس بیش از هر منبع آیینی به مهدویت پرداخته است (خان‌الماس، بی تا، ص ۳۵).

با وجودی که با تتبع در کلام اهل حق، سخنی درباره واقعه غدیر و نصب امام علی علیه السلام به مقام خلافت و امامت به دست نیامد، برخی اوصاف امیرالمؤمنین که در متون اهل حق مطرح شده است، انعکاسی از باور امامیه است.



سید فرضی می گوید:

شاه مدینه جامه اش حیدر صاحب دو پر قاتل کافر

(کلام دوره سید فرضی، بی تا، بند ۳)

ترجمه: شاه مدینه جامه اش حیدر کرار است که صاحب ذوالفقار و کشنده کافران است.

نوروز سورانی امیر مؤمنان را امیر عرب و دارنده برهان دین شناسی و زاینده معانی و معارف قرآن خوانده است:

امیر عرب                      امیر امرای عالی جای عرب  
علی الاعلا علم دین برهان      زاینده ظاهر حروف قرآن

(سورانی، بی تا، ص ۱۹۷)

ترجمه: ای امیر عرب، ای امیرالامرا که در میان عرب والا مرتبه هستی.  
- ای علی عالی مرتبه که علم برهانی دین نزد توست، تو زاینده باطن و اسرار قرآن هستی!

در کلام دوره شاه خوشین با اسم امام صادق علیه السلام مواجه می شویم. شاه خوشین که مجلای ذات (فیض) تلقی شده است، خود را پیرو دین رسول اکرم و جعفری مذهب معرفی کرده است.

خوشین بچه ام رسول من سرو      دین پاک دارم و مذهب جعفر

(کلام دوره شاه خوشین، بی تا، ص ۱۵)

ترجمه: بچه ای هستم که نامم خوشین است. رسول خدا سرور من است و دین پاک دارم و جعفری مذهب هستم.

در کلام دوره باباناس، افزون بر نام حضرت علی علیه السلام و حسنین علیهم السلام، با اسم امام محمد باقر علیه السلام و عبارت دوازده امام و چهارده معصوم مواجه می شویم (کلام دوره سید فرضی، بی تا، بند ۳). در کلام پردیوری نیز از حضرت علی علیه السلام و امام حسن و امام حسین علیهم السلام بارها یاد شده است؛ اما از نام دیگر امامان سخن به میان نیامده است. در کلام متأخران، مانند دوره باباحیدر افزون بر نام امیرالمؤمنین علی علیه السلام تعابیری چون



دوازده امام و چهارده معصوم نیز وجود دارد.

مرز در یار شربت کامن      شهسوار دُر دوازده ایمان

(کلام دوره سید فرضی، بی تا، بند ۸)

ترجمه: راز حق شربت کام من است. آرزوی شهسوار دُر، دوازده امام است.

مَغزِ مایَه نَحْتِ عِلْمِ نَجُومِن      سَردارِ مَدینِ چُوارَدَه مَعْصُومِن

(کلام دوره سید فرضی، بی تا، بند ۸)

ترجمه: مغز ما، مایه دانش نجوم و ستاره‌شناسی است. سردار شهر مدینه، چهارده

معصوم است.

در کلام دوره سیدبرآگه و دوره خان آتش با اسم مهدی صاحب زمان علیه السلام مواجه

می‌شویم. تیمور بانیارانی می‌گوید:

پیشانیم دَفترِ مَهدی صَاحِبِ قَژ      صِفاتِ واحدِ هِژمَتِ تیزِ پَژ

(بانیارانی، بی تا، ص ۳۰)

ترجمه: پیشانی من دفتر مهدی صاحب فر و شکوه است. صفات یگانه حشمت

تیز پر است.

خان‌الماس درباره ظهور امام زمان علیه السلام خاطر نشان کرده است:

پیدا مو مهدی صاحب زر و زور      اِسرافیل نَه عرشِ دَمِ مَدی و صُور

(خان‌الماس، بی تا، ص ۳۴)

ترجمه: از کشتار آن سردار موسوم به «سام» که دارای ذات است، آنگاه اسرافیل در

عرش، در صور می‌دمد.

وی درباره فرجام انسان‌ها در عصر ظهور می‌گوید:

مسلمان مَوْنِ چَه گورِ چَه کافر      مکن زیارت اژدهای دو سر

(خان‌الماس، بی تا، ص ۳۵)

همه کفار و بی‌دینان، مسلمان شده‌اند و به دین اسلام ایمان می‌آورند و پس از

تسلیم شدن، ذوالفقار حضرت علی علیه السلام که در دست امام زمان علیه السلام است، زیارت می‌کنند

– کنایه از اینکه با امام زمان علیه السلام بیعت می‌کنند – (خان‌الماس، بی تا، ۳۵)





نام امام حسین علیه السلام، امام حسن علیه السلام، امام علی علیه السلام، امام محمد باقر علیه السلام، امام جعفر صادق علیه السلام، امام رضا علیه السلام و امام مهدی علیه السلام در متون مختلف اهل حق بیان شده است. توضیح اینکه نام امام حسین علیه السلام بیش تر از دیگر امامان آمده است. سپس نام امام حسن علیه السلام بیان شده است و در مرتبه بعد با نام حضرت علی علیه السلام مواجه می شویم. نام پنجمین و ششمین امام یک بار و نام امام هشتم دو بار و نام امام زمان چندین بار آمده است. حوادث و مسائل مربوط به امام حسین علیه السلام بیش از دیگر اهل بیت علیهم السلام مطرح شده است (کلام دوره شاه خوشین، ۱۶؛ خان الماس، بی تا، ص ۳۵؛ لاجین، بی تا، ص ۸؛ قاصی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱).

### ۲-۳. عصمت و القاب امام حسین علیه السلام

از نظر شیعه، عصمت از ویژگی های امام است. بنا بر آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب، ۳۳) اهل بیت علیهم السلام معصوم اند. قرآن کریم اهل بیت علیهم السلام را معصوم و عاری از هر نوع پلیدی معرفی کرده است. در کلام اهل حق، با اوصاف و القاب گوناگونی درباره چهارده معصوم، به ویژه امام حسین علیه السلام مواجه می شویم. بنا بر احصا آمار این القاب و اوصاف بالغ بر صد عنوان است که اغلب در دیوان گوره آمده است (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۳۵۰-۳۱۰). برخی از کلام دانان بر این باورند که خاندان های اهل حق صفاتی را به امام حسین علیه السلام اطلاق کرده اند که در تمام منقبت نامه های قدسیان حق و فرشتگان عالم ملکوت دیده نشده است. پیروان اهل حق مذهب خود را از جوانه ها و شکوفه های عاشورای حسینی گرفته اند (دانشور، الف بی تا، ص ۳۱)؛ چنانکه در کلام دوره سید برا که می خوانیم:

و الله يه رازان رمزر راستين      حق جوری حسین نجیم ناسین

(دوسه بیامه، بی تا، ص ۸)

ترجمه: به خدا سوگند! این (داستان امام حسین علیه السلام) راز و رمزی از مفاهیم راستی ها است. جستجو و تحقیق درباره حقیقت و نجابت امام حسین علیه السلام است.

اوصافی که درباره سیدالشهدا علیه السلام بیان شده است، می توان آن را به دو قسم دسته بندی کرد. قسم اول واژه معصوم است که ناظر به عصمت آن حضرت است. کلام

اهل حق از چهارده معصوم یاد کرده است؛ بنابراین امام حسین علیه السلام از چهارده معصوم است و بدیهی است که آن حضرت، معصوم است.

دوازده جم حق از چارده معصوم دو هفتت آو یکک تاویا ژه بوم

(کلام دوره بابانوس، بی تا، بند ۳۴)

ترجمه: دوازده جم حق تعالی از چهارده معصوم، دو هفت از یک منشأ آمده‌اند.

شهید حجاز حسین مظلوم یار بالا سر قوت معصوم

(کلام دوره سید فرضی، بی تا، بند ۳)

ترجمه: حسین مظلوم شهید حجاز [شاید در کلام نویسی اشتباه نوشته شده است]

است. یار بالای توان و قدرت معصوم است.

قسم دوم مفاهیم و اصطلاحات خاص آیینی است. این قسم از القاب و اوصافی که با واژه‌های کردی و اصطلاحات خاص کلامی درباره سیدالشهدا علیه السلام آمده است می‌توان آن را خاص ادبیات آیینی اهل حق در وصف امام دانست که معنای معصوم از آنها استنباط می‌شود.

بعضی از این اوصاف را می‌توان مترادف معنای معصوم و انسان کامل دانست. واژه‌هایی، مانند «نور» و «جام جمین و ش» و «طیار» از این قبیل است. در کلام می‌خوانیم:

سر دام نه را گوه دُو لیف سَر نخش حسن و حسین جام جمین و ش

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۲۲)

ترجمه: سرم را در راه دو برگزیده نورانی دادم. حسن و حسین آینه زیاروی‌اند.

حسن و حسین جامه و انواری هم چا لرستان نامیم شراری

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۲۶)

ترجمه: امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام دو وجود نورانی هستند. در لرستان نام من

شراری بود.

کوثر در کلام پردیور می‌گوید:

حسن و حسین جام نور صرفی چا لرستاندا نامیم بر حرفی

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۴۱۵)





ترجمه: حسن و حسین دو وجود (جامه) نور صرف هستند. در سرزمین لرستان نامم حرفی بود.

سر دام نه راگه دو همتای طیار حسن و حسین نور سر سپار

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۱۴)

ترجمه: در راه دو همتای کامل (امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) سرم را دادم. حسن و حسین دو وجود نورانی هستند که به آنان سر سپردم.

نه راگه دو توایل سر دام بی شمیم حسن و حسین جام پاک ندیم

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۴۲)

ترجمه: در راه دو جوان رشید سرم را دادم. حسن علیه السلام و حسین علیه السلام که از قدیم و ندیم جامه‌ای پاک داشته‌اند.

حسن و حسین جای نذر و نیاز چه لرستان نامیم تامازه

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۴۱۷)

ترجمه: حسن و حسین علیه السلام جای نذر و نیاز - نوعی آداب و رسوم آیینی - است. در لرستان نام من تاماز (طهماسب) بود.

بر این پایه، مفاهیم و عباراتی، مانند «جام جمین و ش» و «جامه انوری» و «نور صرفی» و «طیار» و «نور» در فرهنگ اهل حق، به معنی آینه زلال و پاک، آینه نورانی، نور خالص، انسان کامل و نور است که می‌توان گفت ناظر به معنی طاهر، پاک و معصوم بودن است؛ بنابراین باور به عصمت امام از مشترکات اهل حق و امامیه است.

### ۳. امام حسین علیه السلام در نظام آفرینش

در نظام فکری این آیین، امور مختلفی از اسرار انگاشته شده است. شخصیت‌های آیینی از اسرار و رموز هستی دانسته شده‌اند (شیخ‌امیر، بی‌تا، ۱). وجود مقدس امام حسین علیه السلام از جمله اسرار الهی است. آن ذات مقدس در نظام هستی، حقیقتی والا دارد و در عالم طبیعت دارای شخصیتی برجسته است؛ از این رو در کلام دوره‌های مختلف، مسائل گوناگونی درباره حقیقت وجودی امام حسین علیه السلام بیان شده است (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۳۰۹ و ۶).



### ۳-۱. آفرینش ازلی امام حسین علیه السلام

اموری که از اسرار دانسته شده‌اند، با عالم ازل و ملکوت ارتباط دارند. یکی از ذوات مقدسی که در سلسله آفرینش ازلی موجودات جایگاه عظیمی دارد، امام حسین علیه السلام است. از یک سو، اهل حق به آفرینش ازلی روح انسانی باورمند است (سورانی، بی‌تا، ص ۱۲۶) و از دیگر سو، سرایندگان جایگاه ازلی بلکه دون ازلی هریک از مقامات آیینی را فرشته‌ای معین می‌دانند؛ یعنی آنان در ازل آفریده شده‌اند و دون ازلی خود را فرشته دانسته‌اند (کلام، ۱۳۹۴، ص ۱۶؛ مجمع الکلام سرانجام اهل حق، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۵)؛ از این رو در این نگرش، امام حسین علیه السلام به دو اعتبار، دو وجود دارد که در طول هم‌اند؛ یکی وجود حقیقی و ملکوتی، و دیگری وجود ناسوتی در عالم طبیعت. بر این اساس، از نگاه یارسانیان، نام آیینی سیدالشهدا در عالم ملکوت «رضا» است و «رضا» موجودی ملکوتی (فرشته) است؛ چنانکه کلام اهل حق با بیانی رمزی، درباره آفرینش ازلی امام حسین علیه السلام می‌گوید:

نگین وسط مزه میان جا      وِردن و متقال رمز چنی رضا

(سورانی، بی‌تا، بند ۱۱۶)

ترجمه: [بعد از آفرینش دو ذات، دو موجود] آنگاه نگین و ذره باطنی را به عنوان مایه یا هسته اولیه در وجود آنها، آدم و حوا، نهاد. سپس رمز و رضا از فیض خداوند بهره‌مند شدند.

منظور از رمز، رمزبار است که دون ازلی یکی از مقامات مؤنث اهل حق است که مظهر یا دون آن در عصر حضرت علی علیه السلام فاطمه بنت اسد به شمار رفته است و منظور رضا امام حسین علیه السلام است.

رستم باباجانی نیز به همین سیاق سخن گفته است. با این تفاوت آفرینش رضا را با شاه مطرح کرده است.

نه در بر آما حسین چنی شاه      پیر شرط آورد نقشش نه دریا

(باباجانی، بی‌تا، ص ۴)





ترجمه: در روز ازل امام حسین علیه السلام با پادشاه عالم آمد. پیر شرط نقش او را از دریا (نور) آورد.

بنا بر مبانی اهل حق، دو بیت بیان شده با بیانی رمزی، از دو مسئله گزارش داده است. نخست از آفرینش «رضا»، دون ازلی و به تعبیری دیگر، وجود حقیقی امام حسین علیه السلام با آفرینش «شاه» یعنی دون یا حقیقت وجودی حضرت علی علیه السلام سخن رفته است و دوم از آفرینش «رضا» با «رمز» که ناظر به دون ملکوتی خاتون رمزبار، مادر سلطان اسحاق بحث کرده است. «رمز» دون ملکوتی فاطمه بنت اسد به شمار رفته است (کلام دوره قالب، بی تا، بند ۸)؛ بنابراین آفرینش وجود ملکوتی امام حسین علیه السلام گاهی با حقیقت فاطمه بنت اسد و گاهی با حقیقت علویه علیه السلام (وجود ملکوتی علی علیه السلام) مطرح شده است.

به نظر می‌رسد که این ایده برگرفته از عرفان اسلامی است. از نظر عرفان هر کسی حقیقتی در علم حضرت حق تعالی دارد که از آن به «عین ثابت» یاد شده است (ابن عربی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۴۵) و یک وجود رقیقه در عالم خارج دارند (قیصری، ۱۳۹۸، ص ۱۳). احتمال دارد که مراد سراینده‌گان از وجود ازلی یا دون ازلی مقامات آیینی، ناظر به وجود علمی یا مظهر «عین ثابت» آنان در ملکوت باشد که با ادبیات کلامی مبتنی بر مبانی اساسی اهل حق، پردازش شده است.

وقتی کلام اهل حق از وجود ناسوتی امام حسین علیه السلام سخن می‌گویند، تصریح کرده‌اند حسین پور علی مرتضی است؛ چنانکه کلام می‌گوید:

سر دام نه عشق دین دو همتا حسن و حسین پور مرتضی

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶)

ترجمه: سرم را در راه عشق به دین دو انسان همتا دادم. (آن دو) حسن و حسین فرزند مرتضی هستند.

کلام دانان مطلب درخوری درباره وجه تسمیه و تفسیر «رضا» که اسم دون ملکوتی امام حسین است بیان نکرده‌اند؛ اما سید برزو دانشور درباره فلسفه اطلاق اسم «رضا» بر سیدالشهدا گفته است: این نام (رضا) در پی جلوه‌گر شدن شعشعه ذات پرفروغ امام

حسین علیه السلام در عالم ملکوت است (دانشور، بی تا، ص ۱۸). به بیان دیگر، آن وجود ازلی موسوم به «رضا» حقیقت وجودی امام حسین علیه السلام به شمار رفته است.

توضیح مطلب این است که اهل حق بر این باورند، وقتی خداوند چهار فرشته مقررت یعنی جبرئیل، اسرافیل، عزرائیل و میکائیل را خلق کرد (سورانی، بی تا، صص ۲۱۱ و ۲۱۴)، سه تن دیگر نیز آفرید؛ این گروه از خلایق به هفت تن موسوم اند. سپس هفت تن دیگر را آفرید. آنگاه خداوند با این دو گروه فرشته، در «ملکوت» نشستی منعقد کرد. مباحث زیادی در این نشست مطرح شد. یکی از این مباحث، سخن از پیدایش آیین اهل حق بود (دوره هفتوانه، ۱۳۶۱، ص ۵۴). یکی از هفت تن که موسوم به «رضا» است، خود را قربانی کرد (دوره هفتوانه، ۱۳۶۱، ص ۵۴).

از آنجا که وجود ناسوتی «رضا» در دوره کربلا امام حسین علیه السلام است و آن حضرت برای حفظ دین و مبارزه با یزید و یزیدیان هر چه داشت، در راه خدا تقدیم کرد و برابر سختی‌ها صابر و راضی به رضای حق بود؛ از این رو لقب یا وصف «رضا» به دون ملکوتی آن حضرت اطلاق شده است (سورانی، بی تا، بند ۱۱۶).

به نظر می‌رسد این ایده اهل حق برگرفته از سخن امام حسین علیه السلام باشد که در روز عاشورا فرمود: «اللّٰهُمَّ رَضِيْ بِرَضَائِكَ وَ تَسْلِيْمًا لِأَمْرِكَ» (مقرم، ۱۳۹۹، ص ۳۶۷). چون سیدالشهدا علیه السلام مقام «رضا» داشت، به همین جهت به دون ازلی آن حضرت «رضا» اطلاق شده است. به این طریق، یک ارتباط معنوی بین دون ازلی و وجود ناسوتی آن حضرت وجود دارد. در این نگرش، وصف مشترک دون ازلی و وجود ناسوتی آن حضرت قربانی شدن در راه حق است.

یارسانیان فلسفه شهادت سیدالشهدا را در کربلا با دون ازلی و وجود ملکوتی آن حضرت گره زده‌اند. بنا بر فلسفه دونای دون گردش مظهر به مظهر ذات یا روح، از دوره آدم علیه السلام تا عصر حاضر، به این طریق است. هر کسی دون امام حسین علیه السلام تلقی شده، سرش را در راه حق تقدیم خدا کرده است (سید براهه، بی تا، ص ۱). بر اساس دونای دون، در هر دوره‌ای یک نفر دون امام حسین علیه السلام به شمار رفته که نام او در کلام بیان شده است؛ بنابراین متون کلامی ده‌ها نفر در دوره‌های گوناگون به عنوان





دون امام حسین علیه السلام برشمرده است (اکبری، بی تا، ص ۲۵). در این نگرش، برخی انبیای الهی را دون آن حضرت دانسته‌اند، از جمله حضرت اسماعیل علیه السلام دون حضرت سیدالشهدا علیه السلام است.

در میان شخصیت‌های آیینی اهل حق، مانند یار زرده‌بام، احمد، بابایادگار، دون‌های متأخر امام حسین علیه السلام تلقی شده‌اند. این طایفه آخرین دون امام حسین علیه السلام را مهدی موعود علیه السلام می‌دانند (القاصی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱).

### ۲-۳. ارتباط شهادت امام با حضرت اسماعیل علیه السلام

در قرآن آمده است، حضرت ابراهیم علیه السلام از سوی خداوند مأموریت یافت تا فرزندش اسماعیل علیه السلام را قربانی کند؛ اما خداوند قوچی را در قربانگاه برای حضرت ابراهیم علیه السلام حاضر کرد تا آن را به جای اسماعیل علیه السلام قربانی کند و چنین شد؛ از این رو حکم قربانی شدن از حضرت اسماعیل علیه السلام برداشته شد تا اینکه واقعه کربلا رسید و امام حسین علیه السلام به جای اسماعیل علیه السلام در راه حق قربانی شد. بنا بر آیه «وَفَدَيْنَاهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ» (صافات، ۱۰۷) سیدالشهدا علیه السلام فدیة حضرت اسماعیل علیه السلام شد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۲۷۹). در باور اهل حق، حضرت اسماعیل دون سیدالشهداست. این معنا در کلام این طایفه را این گونه می‌خوانیم:

رَسیده حسین، رَسیده حسین      سَرِ اسماعیل رَسیده حسین  
داود بردنش رساجه ما بین      پَری قربانی بیان وَ سیمین

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷)

ترجمه: سر حضرت اسماعیل علیه السلام به حسین بن علی علیه السلام رسید؛ - اما داود کبود سوار، قوچی را به حضرت ابراهیم علیه السلام داد تا آن را به جای اسماعیل علیه السلام قربانی کند.

به نظر می‌رسد این کلام اهل حق شهادت امام حسین علیه السلام را به فدیة حضرت اسماعیل علیه السلام می‌داند. این نگرش بازتاب عقیده امامیه است؛ اما یارسانیان آن را بر پایه دونای دون بیان کرده‌اند؛ از این رو کلام می‌گوید: «سَرِ اسماعیل رَسیده حسین». امام

حسین علیه السلام به جای اسماعیل قربانی شد (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۱۳۷)؛ بنابراین بین حضرت اسماعیل علیه السلام و امام حسین علیه السلام ارتباط دونی قایل هستند.

### ۳-۳. ارتباط شهادت امام با حضرت یحیی علیه السلام

حضرت یحیی علیه السلام از دیگر پیامبرانی است که دون امام حسین علیه السلام به شمار رفته است؛ چنانکه در منابع اسلامی آمده است، حضرت یحیی علیه السلام به دست ظالمان به شهادت رسید (مجلسی، ۱۴۲۵ق، ج ۱۴، ص ۱۸۱). از منظر کلام اهل حق نیز حضرت یحیی به شهادت رسیده است؛ چنانکه در کلام دوره بابانائوس می خوانیم:

جمیار حسن بی حسین بی یحیی      حسن و حسین هانی چی درگاه

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۶۳)

ترجمه: جمیار دون امام حسن علیه السلام بود و امام حسین علیه السلام دون حضرت یحیی نبی علیه السلام بود. اکنون حسنین علیه السلام در این درگاه حضور دارند (مراد دون آنهاست).

بر اساس نگرش این طایفه، ارتباط امام حسین علیه السلام با حضرت یحیی علیه السلام یک ارتباط دونی است. به نظر می رسد که حکایت آفرینش ازلی امام حسین علیه السلام (رضا) و شهادت نمادین وی در عالم ملکوت، بیانی از فلسفه شهید و شهادت است. بر اساس منابع یارسان، اولین قربانی راه حق دون (وجود ملکوتی) سیدالشهدا علیه السلام (رضا) است. در این نگرش، اشخاصی که در طول تاریخ دون آن حضرت به شمار رفته اند، به قتل رسیده یا به شهادت رسیده اند (دفتر سید پراکه، بی تا، ص ۱؛ دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۰۲). گاهی دون آن ذات مقدس پیامبرانی، مانند اسماعیل علیه السلام و یحیی علیه السلام بوده اند (قاصی، ۱۳۵۸، ص ۱۱) و گاهی دون های آن حضرت اشخاصی، مانند بابایادگار (یار زرده بام) بوده اند (کلام چلتن، بی تا، بند ۶) که پیامبر و امام نبوده اند.

نظر به اینکه گردش مظهر به مظهر ذات (فیض) یا گردش روح از بدنی به بدن دیگر باطل است (ملاصدرا، ۱۴۲۵ق، ج ۹، ص ۸)، چنان که ذکر شد، ممکن است مراد سراینندگان اهل حق از ارتباط دونی، بیانی تمثیلی باشد که بین مثل و ممثل یک شباهت لحاظ شده است. در این صورت، شباهت حضرت یحیی علیه السلام با امام حسین علیه السلام این است که هر دو در راه خدا به شهادت رسیده اند.





#### ۴. واقعه عاشورا

قدیمی ترین اثر کلامی که از کربلا و شهادت امام و یاران باوفای ایشان سخن گفته است، کلام دوره بابانوس است (کلام دوره بابانوس، بی تا، بند ۳۵؛ دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۵۳). سپس در دیگر کلام‌ها، حکایت شهادت سالار شهیدان بیان شده است (دیوان شیخ امیر، بی تا، بند ۱۸۸). در کلام لاجین نیز چنین می خوانیم:

حسینم شهید دست کربلا      شیونم مندن تا قال و بلا

(لاچین، بی تا، ص ۸)

ترجمه: امام حسین علیه السلام شهید دشت کربلاست که عزای آن تا قالوا بلی ادامه دارد (کلام دانان آن را به معنی قیامت می گیرند).

جوزی درباره شهادت امام حسین علیه السلام می گوید:

حسین وی طوره یارم رنگین      سردان حسین پرشه یقین

(جوزی، بی تا، ص ۵)

ترجمه: امام حسین به این دلیل یاری بی بدیل و زیباست که سردادن او به سبب یقینی بود که به تجلی ذات خدا داشت.

#### ۴-۱. شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام و یارانش

فلسفه شهادت امام حسین علیه السلام با قربانی شدن و وجود ملکوتی آن حضرت (رضا) ارتباط دارد. در تفکر یارسانیان، این جریان ادامه یافته است تا اینکه وجود تاریخی امام حسین علیه السلام فرا می رسد. در کلام طایفه سان، واقعه عظیم عاشورا به گونه ای پرتکرار بیان شده است (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۵۵ و ۵۲-۵۳). پیشوایان این طایفه افزون بر نقل روایی و تاریخی موضوع عاشورا تلاش کرده اند اسرار و معارف آیینی، ایمان، عواطف و احساس مذهبی و آیینی خود را درباره موضوع عاشورا و شهادت سیدالشهدا علیه السلام و ۷۲ تن از یارانش ابراز کنند (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۴۱ و ۳۰۶-۳۰۷). بررسی این دست از متون کلامی که مربوط به کلام های گزارش دونی است، گسترده ترین بخش کلام پردیوری و دوره بابانوس را دربرمی گیرد (دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۳۰۴-۳۰۹).

## ۲-۴. مذمت یزیدیان

مذمت و نکوهش و نفرین بر دشمنان اهل بیت علیهم السلام در منابع این طایفه به چشم می خورد. بیشترین نکوهش درباره یزید و همفکران ستمگر اوست (کلام چهارده بدن، بی تا، بند ۱؛ دیوان گوره، ۱۳۸۲، صص ۳-۴). کلام چهارده بدن (چهارده انسان بد) که بیانی تمثیلی از صفات نکوهیده است، یزیدیان را مصادیق صفات ناپسند دانسته و آنان را نفرین و نکوهش کرده است (کلام چهارده بدن، بی تا، بند ۱-۱۴). می توان گفت بعضی که در زیارت عاشورا لعن و نفرین شده با برخی که در کلام چهارده بدن نکوهش و نفرین شده اند، مشترک اند. در زیارت عاشورا دشمنان اهل بیت علیهم السلام، از جمله یزید و شمر و معاویه و ... نفرین شده اند (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۷، ص ۸۰۵). در کلام «چهارده بدن» اشخاصی، مانند معاویه (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳)، یزید (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۵۵)، مروان (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳) نکوهش شده اند. کلام یزید را مشرک (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۰۴) و شمر را نجس (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۱۸) می داند. هند جگر خوار نیز در کلام نکوهش شده است (دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۵۳). اشخاصی به نام های شیرو، قادر و خدره نکوهش شده اند که احتمال دارد مصداق بعضی اشخاص نکوهش شده در زیارت عاشورا باشند (مفاتیح الجنان، ۱۳۸۷، ص ۸۰۵).

سلطان اسحاق در آغاز کلام چهارده بدن، انسان های نیک سرشت و بدسرشت را این گونه توصیف نموده است:

نیکانم چا نور کوره رژیانی      بدانم چا دود ساجم زیانی

(دیوان گوره، ۱۳۸۲، ص ۳۵۲)

ترجمه: [بیانی استعاری است] انسان های نیک سرشت از نور کوره جلوه گرفته اند. انسان های بدسرشت از دود ساج، تیره شده اند.

از نظر سلطان اسحاق، انسان های بدسرشت قلبی تیره و تار دارند، مانند سنگ سیاه هستند و نیک سرشتان وجودشان به نور حقانی مزین شده است. آنگاه وی مصادیق انسان های بدسرشت را کسانی دانسته است که در ردیف دشمنان اهل بیت علیهم السلام هستند.





از کلام چهارده بدن و نیز آن دسته از کلام‌هایی که از امام حسین علیه السلام و کربلا و عاشورا سخن گفته‌اند، این مسئله به دست می‌آید که سراینده‌گان افزون بر بیان دون خود در کربلا، ارادت خود به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام، و انزجار و نفرت خود را به یزید و طرفدارنش ابراز کرده‌اند.

به نظر می‌رسد این رویکرد بیان‌گر اعتقاد سراینده‌گان به ولایت است. کسی که به ولایت باور داشته باشد، از دشمنان ولایت بیزاری می‌جوید. دو رکن تولی و تبری در کلام یارسان مطرح شده است.

### ۵. خونخواهی امام حسین علیه السلام

متون اهل حق افزون بر بیان واقعه عاشورا، مسئله خونخواهی امام حسین علیه السلام و اصحابش را نیز مطرح کرده‌اند. از نظر این طایفه، واقعه عاشورا عظیم است و تاکنون حق اهل بیت علیهم السلام از قاتلان گرفته نشده است؛ از این رو در این نگرش، خونخواهی امام حسین علیه السلام از اهمیت فراوانی برخوردار است. بر این اساس، یارسانیان در انتظار روزی هستند تا از قاتلان امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا انتقام گیرند. اینک به بیان چند نمونه کلامی می‌پردازیم:

اهمیت خون‌خواهی امام حسین علیه السلام:

والله یه رازان رمز راسین خونخواهی حسین نجیم ناسین

(دوسه بیامه، بی تا، ص ۸)

ترجمه: به خدا سوگند! این (واقعه) راز و رمزی از مفاهیم راستی‌ها است. خونخواهی امام حسین علیه السلام درباره قداست و نجات امام حسین علیه السلام است.

انتقام گرفتن به دست یارسانیان:

بِی حُون حُسین دَسْت نَه تیر مین یک یک حُونیان وَ نَخچیر مین

زلزله عظیم جهان بی ذین کیم وقتن دعوای حق خون حسین کیم

(لاچین، بی تا، ص ۸)

ترجمه: برای گرفتن انتقام خون امام حسین علیه السلام تیر در چله کمان نهاده‌ام. قاتلان را



یک‌به‌یک شکار می‌کنم. با زلزلهٔ بزرگت جهان را بدون زمین می‌کنیم - کنایه از اینکه  
جهاد می‌کنیم - و وقت آن است که دست به خونخواهی امام حسین علیه السلام بزنیم.  
انتقام در هنگام ظهور:

هر کس قدیم خون نه لاش گم بین      شهادتیش مدن خلاصیش نین

(لاچین، بی‌تا، ص ۷)

ترجمه: هر کسی قاتل و ضارب امامان معصوم علیهم السلام بوده و فرار کرده، اکنون شناسایی  
شده است و دیگر راه فرار ندارد. احدی را از قاتلان زنده نمی‌گذاریم.  
جنگ تمام عیار:

اوسا که میو شاه صاحب زمان      حوناب مریزو نه موج دامان

(دوسه بیامه، بی‌تا، ص ۹)

ترجمه: آنگاه که صاحب زمان ظهور می‌کند، بر اثر جنگ و جهاد از دامن مردم  
خون می‌ریزد.

اسلام آوردن کفار:

خاران ژه هییت جور بی سامان      عاجز مون ژه جنگ مخوازان آمان  
مسلمان مون چه گور چه کافر      ممکن زیارت اژدهای دو سر

(خان‌الماس، بی‌تا، ص ۳۵)

مخالفتان از هییت و عظمت این جنگ بزرگ، ناتوان و عاجز می‌شوند و تسلیم  
می‌گردند و امان می‌خواهند و همه کفار و بی‌دینان مسلمان می‌شوند و پس از آن،  
ذوالفقار دو سر مولی علی علیه السلام را زیارت می‌کنند.

خلاصه اینکه پس از ظهور امام زمان علیه السلام و پیروزی سپاه اسلام در نبرد با کفار، همه  
کفار تسلیم می‌شوند و به دین اسلام می‌گروند.  
وحدت شهید و منتقم:

قولم قوای ذات و حسین سپرد      حسین خود شهید حسین خود نبرد

(لاچین، بی‌تا، ص ۸)

ترجمه: خداوند وعده‌ای را که به یاران حق داد، در لباس «دون امام حسین» آن را





به جا آورد (شهید شد) و خود به نبرد با قاتلان پرداخت.

به نظر می‌رسد، بیت مذکور بنا بر تجلی ذات و صفات و نگرش باطن‌گرایی، مطلب ظریفی را بیان کرده است. از نظر یارسانیان، امام حسین علیه السلام در کربلا شهید شد و بنا بر اصل تجلی مظهر به مظهر و دونای دون، روزی خواهد رسید که در جامه حضرت مهدی علیه السلام تجلی می‌کند و با قاتلان شهدای کربلا نبرد می‌کند. به بیان دیگر، امام حسین علیه السلام در کربلا به شهادت رسید و چون ذات امام حسین علیه السلام در جامه مهدی صاحب زمان علیه السلام نیز تجلی می‌کند، در این دون با قاتلان کربلا نبرد می‌کند و از آنان انتقام می‌گیرد؛ یعنی ذات سیدالشهداء علیه السلام و مهدی صاحب زمان علیه السلام یکی است؛ از این رو کلام می‌گوید: «حسین خود شهید حسین خود نبرد» (لاچین، بی‌تا، ص ۸). در اینجا شهید و منتقم یکی است. به تعبیر آیینی، یک ذات در دو دون. از نظر کلام‌دانان مهدی موعود تجلی از ذات امام حسین علیه السلام و مظهر از علی علیه السلام دارد (القاصی، ۱۳۵۸، ص ۱۰۱)

چنانکه بیان شد، اهل حق بر اساس تجلی مظهر به مظهر بین شخصیت‌های دینی و آیینی رابطه برقرار می‌کنند که ناظر به شباهت بین آنان است. در نگرش امامیه، اهل بیت علیهم السلام نور واحد هستند. پیامبر فرمود: «انا و علی من نور واحد» (احسائی، ۱۴۰۳، ج ۴، ص ۱۲۴) و امام حسین علیه السلام نیز از نور رسول و خدا و امیر مؤمنان است؛ اما دو شخصیت هستند که در دو زمان در عالم به وجود آمده‌اند، حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «لا یقاس بنا احد» (مجلسی، ۱۴۲۵، ص ۶)؛ از این رو مقایسه کردن غیر معصوم با معصوم (اهل بیت و انبیا) امری مخدوش است؛ بنابراین نه تنها دلیلی برای ارتباط دونی (تشبیه و تمثیل) غیر معصوم با اهل بیت علیهم السلام نمی‌یابیم؛ بلکه این ایده با منابع دینی سازگار نیست.

### نتیجه‌گیری

از بررسی متون اهل حق درباره جایگاه امام حسین علیه السلام این نتایج به دست آمد.

۱. اهل حق همسو با امامیه به امامت دوازده امام باور دارند؛ اما در مواردی تفسیر آنان - به جز خاندان آتش‌بگی - از امام متفاوت است. شیعه دوازده امامی امام را معصوم و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله می‌داند که از سوی خداوند منصوب شده است. در

اندیشه اهل حق، مقام امامت بر مبنای تجلی ذات و صفات تبیین و تفسیر می‌شود که با شیعه فاصله می‌گیرد. در این نگرش، امام متجلی از ذات یا صفات است. امام زمان علیه السلام آخرین شخصیتی است که ظهور می‌کند و دون امام حسین علیه السلام است.

۲. اهل حق برای هر شخصیت آیینی دو وجود ملکوتی و ملکی قایل است. ظهور و بروز این مقامات به جهت برخورداری آنان از فیض (ذات یا صفات) حق است که از پایه‌های اساسی شکل‌گیری دوره ظهور ذاتی است. امام حسین علیه السلام در عالم ماورا، وجودی حقیقی دارد و در عالم ملک، مجلای صفات بوده و امام است.

۳. فلسفه شهادت سیدالشهدا با وجود ملکوتی آن حضرت پیوند خورده است که در جم آیینی ازلی، خود را قربانی کرد و وجود آن حضرت در عالم ملک در کربلا به شهادت رسید؛ بنابراین دون‌های امام حسین علیه السلام در هر دوره‌ای کشته شده یا مانند حضرت یحیی علیه السلام به شهادت رسیده است.

۴. خونخواهی امام حسین علیه السلام در اندیشه اهل حق جاری است. آنها بر این باورند که تاکنون حق امام حسین علیه السلام و شهدای کربلا از قاتلان گرفته نشده است و در عصر ظهور امام زمان علیه السلام آن حضرت از جانیان و قاتلان ایشان انتقام می‌گیرد و در نهایت جهانیان به دین اسلام مشرف می‌شوند.



## فهرست منابع

\* قرآن کریم

آشتیانی، سید جلال‌الدین. (۱۳۷۰). شرح مقدمه قیصری در عرفان اسلامی (چاپ دوم). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

اسرار حقیقة الحقایق حقیقت. (بی تا). خطی. چاپ نشده.

افضلی، سید قاسم. (۲۰۱۱). سیری به سوی خاندان سید محمد گوره‌سوار (با مقدمه: سید مسعود افضلی، ج ۱، چاپ اول). عراق: اربیل.

اکبری، محمد. (بی تا). دوناوی دون. بی جا.

احسائی، ابن ابی‌الجمهور. (۱۴۰۳ق). عوالی اللثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة (ج ۴، الطبعة الاولى). قم: مطبعة الشهداء.

ابن عربی، محیی‌الدین محمد. (۱۳۸۵). فصوص‌الحکم (ج ۱). (شرح: داوود قیصری، محقق: حسن حسن‌زاده آملی، چاپ اول). قم: مؤسسه بوستان کتاب.

الاهی، نورعلی. (۱۳۷۳). برهان‌الحق (چاپ دوم). تهران. کتابخانه طهوری.

باباجانی، رستم. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی).

بانیارانی، تیمور. (۱۳۳۵). دفتر. (نسخه خطی).

بانیارانی، تیمور. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی).

بروندی، شاه‌نظر. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی).

پارسا، علی‌رضا؛ مال میر، محمدابراهیم؛ رسولی شریانی، رضا؛ رستمی، منصور. (۱۴۰۰). تبیین و

بررسی تجلی خداوند از نگاه آیین یاری (اهل حق) و عرفان اسلامی. فصلنامه علمی-پژوهشی

نقد و نظر، ۲۶(۱۰۳)، صص ۱۱۱-۱۴۷.

پردیور. (۱۳۷۸). (مقدمه و مترجم: سید شکرالله شاه ابراهیمی).



نظر

سال بیست و نهم، شماره اول (پیاپی ۱۱۳)، بهار ۱۴۰۳

تذکره اعلیٰ (۱۹۵۲). (مصحح: و. ایوانف، چاپ اول). هند - بمبئی: انتشارات اسماعیلی.

جوزی. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی).

حسینی، سید محمد. (۱۳۹۵). ترجمه و تفسیر دیوان گوره (ج ۲، چاپ اول). تهران: انتشارات پرسمان.

حسینی، سید محمد؛ آژنگ، حشمت. (۱۳۹۰). یارِ وریا (چاپ اول). عراق - سلیمانیه: انستیتو فرهنگی کرد.

حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۶۷). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد (الطبعة الاولى). قم: انتشارات اسماعیلیان.

خان الماس. (بی تا). دیوان کلام. (نسخه خطی).

دوسه پیامه. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی).

دوره هفتوانه سرانجام. (۱۳۶۱). مقدمه و مترجم: صفی زاده و صدیق، چاپ اول. تهران: کتابخانه طهوری.

دیوان دوره باباحیدر. (۱۳۸۹). (نسخه خطی).

رستمی، منصور؛ زمانی، مهدی و رسولی شریانی، رضا. (۱۴۰۱). تبیین و بررسی انتقادی ارکان و سیر تکامل انسان از نگاه اهل حق. فصلنامه سفینه، (۷۳). صص ۱۶۹-۲۰۱.

سلطانی، محمدعلی. (۱۳۷۸). سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق (چاپ اول). مقاله اهل حق، حسن خان اعتمادالسلطنه و سعید خان کردستانی. مقاله فرقه اهل حق. مینورسکی و

ولادیمیر. مقاله اهل حق (مترجم: محمدعلی سلطانی). تهران: مؤسسه فرهنگی شها.

سید براهه. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی). چاپ نشده.

سورانی، نوروز. (بی تا). دفتر (به خط کرنندی ۱۳۶۲).

شیخ امیر. (بی تا). دیوان (خط سید ایمان خاموشی ۱۳۷۹). (نسخه خطی).

شیخ مفید، محمد بن محمد. (۱۳۷۶). الارشاد (مترجم: محمدباقر ساعدی خراسانی، چاپ سوم). تهران: انتشارات کتاب فروشی اسلامیه.





- دانشور، سید برزو. (بی تا «الف»). ترجمه و شرح بند «پاران جه یمن». چاپ نشده.
- دانشور، سید برزو. (بی تا «ب»). نوشته‌های در باره کلام چهل تن. (نسخه خطی). چاپ نشده.
- دیوان گوره. (۱۳۸۲). (با مقدمه سید محمد حسینی، چاپ اول). کرمانشاه: انتشارات باغ نی.
- طاهری، طیب. (۲۰۱۳). بانک سرحدان (چاپ اول). عراق - اردبیل: چاپ موکریانی.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی (ج ۴). تهران: مکتبه الصدر.
- قاصی، معجد. (۱۳۵۸). آئین یاری اهل حق (چاپ اول). تهران: ناشر مولف.
- قمی، عباس. (۱۳۸۷). مفاتیح الجنان (مترجم: کمره‌ای، مصحح: محمدرضا اشرفی، چاپ دوم). تهران: شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- قیصری، داود. (۱۳۹۸). رسائل قیصری (مقدمه و شرح سید جلال‌الدین آشتیانی، چاپ سوم). تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- کلام دوره زنون. (بی تا). (نسخه خطی). چاپ نشده.
- کلام قولتاس. (بی تا). (نسخه خطی). چاپ نشده.
- کلام. (۱۳۹۴). (مترجم: سید امرالله شاه‌ابراهیمی). بی جا.
- کلام چلتن. (بی تا). (به خط سید ایمان خاموشی). (نسخه خطی).
- کلام دوره بابانوس. (بی تا). (به خط: سید ایمان خاموشی ۱۳۷۵). (نسخه خطی).
- کلام چهارده بدان. (بی تا). (نسخه خطی). چاپ نشده.
- کلام دوره سید فرضی. (بی تا). (به خط: سید ایمان خاموشی ۱۳۸۱). (نسخه خطی).
- کلام دوره شاه‌حیاس. (۱۳۸۴). (گردآوری و مقدمه: سید شمس‌الدین محمودی، چاپ اول). بی جا.
- کلام دوره شاه‌خوشین. (بی تا). (نسخه خطی).
- کلام دوره قالب. (بی تا). (نسخه خطی).
- لاچین. (بی تا). دفتر. (نسخه خطی). چاپ نشده.
- المجلسی، محمدباقر. (۱۴۲۵ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار (الطبعة الثانية). لبنان - بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

مجمع الکلام اهل حق. (سرانجام). (بی تا). (گردآورنده و مترجم: سام الدین تبریزیان، ج ۱ و ۳).  
(نسخه خطی).

مقرم، عبدالرزاق. (۱۳۹۹). مقتل مقرم (چاپ اول). قم: طوبای محبت.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۳۶۰). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه (مصحح:

سیدجلال الدین آشتیانی، چاپ دوم). مشهد: مرکز الجامعی للنشر.

ملاصدرا، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۵). الحکمة المتعالیه فی الاسفار الاربعه (الطبعة الاولى). قم:

منشورات طلیعة النور.



## References

\* The Holy Quran.

- Ashtiani, S. J. (1370 AP). *Sharḥ-i muqaddamih-yi Qayṣarī dar ‘urfān-i Islāmī* (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Islamic Propagation Office. [In Persian]
- Asrār ḥaqīqat al-ḥaqāyiq ḥaqīqat*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]
- Afzali, S. Q. (2011). *A journey toward the household of Sayyid Muhammad Gura-Sawar* (1<sup>st</sup> ed., vol. 1). Irbil, Iraq: n.p. [In Persian]
- Akbari, M. (n.d.). *Dūnāyi dūn*. N.p. [In Persian]
- Iḥṣā’ī, Ibn Abī al-Jumhūr. (1403 AH). *‘Awālī al-li’ālī al-‘azīziyya fī al-aḥādīth al-dīniyya* (1<sup>st</sup> ed., vol. 4). Qom: Maṭba‘at al-Shuhada. [In Arabic]
- Ibn ‘Arabī, M. (1385 AP). *Fuṣūṣ al-ḥikam* (1<sup>st</sup> ed., H. Hasanzadeh Amoli, ed.). Qom: Boostan-e Ketab. [In Arabic]
- Elahi, N. A. (1373 AP). *Burhān al-ḥaqq* (2<sup>nd</sup> ed.). Tehran: Tahoori. [In Persian]
- Babajani, R. (n.d.). *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]
- Banyarani, T. (1335 AP). *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]
- Banyarani, T. (n.d.). *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]
- Barvandi, S. N. *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]
- Parsa, A. R.; Malmir, M. E.; Rasouli Sherebani, R.; Rostami, M. (1400 AP). An account and examination of God’s manifestation from the perspective of Yarsanism (Ahl-e Haqq) and Islamic mysticism. *Naqd va nazar*, 26(103), pp. 111-147. [In Persian]
- Pardivar*. (1378 AP). (S. S. Shah Ebrahimi, trans.). N.p. [In Persian]
- Tadhkira a’lā*. (1952). (1<sup>st</sup> ed., V. Ivanov, ed.). Mumbai, India: Ismaili. [In Persian]
- Jawzī. (n.d.). *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]
- Hosseini, S. M. (1395 AP). *Translation and exegesis of Dīvān Gūra* (vol. 2, 1<sup>st</sup> ed.). Thran: Porseman. [In Persian]
- Hosseini, S. M.; Azhang, H. (1390 AP). *Yār-i Viryā* (1<sup>st</sup> ed.). Sulaymaniyah, Iraq:



۱۶۸

نظر  
صدر

سال بیست و نهم، شماره اول (پیاپی ۱۱۳)، بهار ۱۴۰۳



Kurdish Cultural Institute. [In Persian]

Hillī, H. (1367 AP). *Kashf al-murād fī sharḥ tajrīd al-i'tiqād* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Ismailian. [In Persian]

Khan Almas. (n.d.). *Dīvān-i kalām*. Unpublished manuscript. [In Persian]

Du Sih Biyāmih. (n.d.). *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Kurdish]

*Dawra-yi haftwāna-yi saranjām*. (1361 AP). (1<sup>st</sup> ed., Safizadeh and Sedigh, ed.). Tehran: Tahoori. [In Persian]

*Dīvān-i dawrih-yi Bābā Ḥaydar*. (1389 AP). Unpublished manuscript. [In Persian]

Rostami, M.; Zamani, M.; Rasouli Sherebani, R. (1401 AP). An explanation and critical examination of the tenets and the evolution of humans from the perspective of Ahl-e Haqq. *Safīnih*, (73), pp. 169-201. [In Persian]

Soltani, M. A. (1378 AP). *Sih guftār-i taḥqīqī dar āyīn-i Ahl-e Haqq* (1<sup>st</sup> ed., M. A. Soltani, trans.). Tehran: Soha Cultural Student. [In Persian]

Sayyid Baraka. (n.d.) *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]

Sourani, N. (n.d.). *Daftar*. Unpublished manuscript (transcribed by Karandi, 1362 AP). [In Persian]

*Sharḥ-i band-hāyī az daftar-i nawrūz*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]

Shaykh Amir. (n.d.). *Dīvān*. Unpublished manuscript (transcribed by S. I. Khamoushi, 1379 AP). [In Persian]

Shaykh al-Mufīd, M. (1376 AP). *Al-Irshād* (3<sup>rd</sup> ed., M. B. Saedi Khorasani, ed.). Tehran: Islamiyya Publication. [In Arabic]

Daneshvar, S. B. (n.d.a). *Tarjumih va sharḥ-i band-i "Yārān jih yaman."* Unpublished manuscript. [In Persian]

Daneshvar, S. B. (n.d.b). *Nivishtihāyi darbārih-yi kalām-i chihil tan*. Unpublished manuscript. [In Persian]



- Dīvān Gūra*. (1382 AP). (1<sup>st</sup> ed.). Kermanshah: Bagh Ney. [In Persian]
- Taheri, T. (2013). *Bānk sarḥadān* (1<sup>st</sup> ed.). Irbil, Iraq: Mokriani. [In Persian]
- Fayḍ al-Kāshānī, M. M. (1415 AH). *Tafsīr al-Ṣāfī* (vol. 4). Tehran: Maktabat al-Ṣadr. [In Arabic]
- Qāṣī, M. (1358 AP). *Āīn-i yārī-yi Ahl-e Haqq* (1<sup>st</sup> ed.). Tehran: Author. [In Persian]
- Qummī, A. (1387 AP). *Maḥāṭib al-jinān* (2<sup>nd</sup> ed., Kamarei, trans., M. R. Ashrafi, ed.). Tehran: Karafarinan Farhang va Hunar. [In Persian]
- Qayṣarī, D. (1398 AP). *Rasā'il Qayṣarī* (3<sup>rd</sup> ed., S. J. Ashtiani, ed.). Tehran: Iranian Research Institute of Philosophy. [In Arabic]
- Kalām-i dawrih-yi zunūr*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]
- Kalām-i Qūltās*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]
- Kalām*. (1394 AP). (S. A. Shah Ebrahimi, trans.). N.p. [In Persian]
- Kalām chiltan*. (n.d.). Unpublished manuscript (transcribed by S. I. Khamoushi). [In Persian]
- Kalām-i dawrih-yi Bābānaws*. (n.d.). Unpublished manuscript (transcribed by S. I. Khamoushi, 1375 AP). [In Persian]
- Kalām-i chāhārdah badān*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]
- Kalām-i dawrih-yi Sayyid Farzi*. (n.d.). Unpublished manuscript (transcribed by S. I. Khamoushi, 1381 AP). [In Persian]
- Kalām-i dawrih-yi Shah Ḥayās*. (1384 AP). (1<sup>st</sup> ed., S. S. Mahmoudi, ed.). N.p. [In Persian]
- Kalām-i dawrih-yi Shah Khushān*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]
- Kalām-i dawrih-yi qālib*. (n.d.). Unpublished manuscript. [In Persian]
- Lachīn. (n.d.). *Daftar*. Unpublished manuscript. [In Persian]
- Majlisī, M. B. (1425 AH). *Biḥār al-anwār al-jāmi'a li-durar akhbār al-a'immāt al-aṭḥār* (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-ʿArabī. [In Arabic]



*Majma' al-kalām-i Ahl-e Haqq (saranjām)*. (n.d.). (S. Tabrizian, ed. and trans., vols. 1, 3). Unpublished manuscript. [In Persian]

Muqarram, A. (1399 AP). *Maqatal Muqarram* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Toobaye Mahabbat. [In Persian]

Mullā Şadrā, M. (1360 AP). *Al-Shawāhid al-rubūbiyya fī al-manāhij al-sulūkiyya* (2<sup>nd</sup> ed., S. J. Ashtiani). Mashhad: University Publishing Center. [In Arabic]

Mullā Şadrā, M. (1425 AH). *Al-Ḥikmat al-muta'āliya fī al-asfār al-arba'a* (1<sup>st</sup> ed.). Qom: Tali'at al-Nūr.

۱۷۱



نظر  
صدر

پرسی و تحلیل منزلت امام حسین علیه السلام در آئین اهل حق